

اقتصاد کشاورزی و امنیت غذایی

مروه اورمل؛

عضو آکادمی رهبری زنان

مقدمه

بخش کشاورزی یکی از بخش‌های اصلی و مهم اقتصاد افغانستان است و رشد اقتصادی آن از هدف‌های اولیه و اساسی این بخش به شمار می‌آید. هزینه‌های دولت در کشاورزی و اندازه نسبی آن بر رشد اقتصادی این بخش از اهمیت بالایی برخوردار است. سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (FAO) اعلام کرده است که برای جلوگیری از وقوع بحران امنیت غذایی و کمبود گندم در آسیا، این قاره باید میزان تولید گندم خود را تا سال ۲۰۵۰ میلادی بیش از ۷۵ درصد افزایش دهد. (FAO, 2003)

مفهوم دسترسی به غذا نیز، دسترسی فیزیکی و اقتصادی به منابع تأمین اقلام غذایی مورد نیاز جامعه است. بنابراین، غذا، دسترسی به غذا، و پایداری در دریافت غذا، سه عنصر اصلی هستند.

تاریخچه بحث امنیت غذایی به بیش از ۷۰ سال پیش و اعلامیه حقوق بشر در سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ برمی‌گردد. در بین بخش‌های مختلف، کشاورزی دارای اهمیت ویژه‌ای است، چرا که در سبد غذایی مصرف‌کنندگان، بیش از هر ماده دیگر، حلقه‌ی تغذیه‌ی انسان را کامل می‌کند (کیان و فرهادیان، ۱۳۹۵).

از سوی سازمان FAO اعلام شده است که امروزه بالغ بر ۹۶۹ میلیون نفر در جهان با هزینه‌ای کمتر از یک دالر در روز زندگی می‌کنند و حدود سه‌چهارم از آن‌ها برای بقای خود به کشاورزی وابسته هستند. در واقع، فقر و تنگ‌دستی شدید این افراد، خروج از این وضعیت را ناممکن ساخته است. بنابراین، ایجاد مؤسسات بازاریابی برای کشاورزان و تشکیل صندوق‌های حمایتی برای مزرعه‌داران، که ستون فقرات امنیت غذایی جامعه را تشکیل می‌دهند، می‌تواند در حل مشکل کمبود غذا در آینده مفید باشد (FAO, 2003).

مطالعاتی که در این اواخر توسط وزارت زراعت، آبیاری و مالداري، منابع مختلف ملل متحد و مؤسسات غیردولتی در مورد عوامل اساسی انکشاف بطنی سکتور زراعت افغانستان انجام شده است، نشان می‌دهد که یکی از این عوامل، عدم دسترسی یا دسترسی ناکافی مولدین به بازار و تسهیلات بازاریابی است. بنابراین، برای رشد سریع تولید و بازاریابی محصولات زراعتی، لازم است تا با استفاده از دستاوردهای علوم زراعتی و تکنالوژی، ظرفیت تولیدی و تجارتی کشور، ارتباط دهقان با مارکیت، عوامل تولید و محصولات، حمل‌ونقل، ذخیره و پروسس تقویه گردد.

اقتصاد کشاورزی افغانستان

اقتصاد زراعتی شاخه‌ای از علوم اجتماعی کاربردی است و برای انسان‌ها نشان می‌دهد که چطور دانش مسلکی و مهارت‌های تجربی و عوامل کمیاب تولید مانند زمین، نیروی بشری، سرمایه و مدیریت را برای تولید محصولات خوراکی و غیرخوراکی اختصاص دهند. از نظر استاد محمد عارف غوثی، اقتصاد زراعتی علمی است که از تطبیق اصول و قوانین اقتصادی در زراعت، از مسایل اقتصادی زراعت و زارع، با در نظر داشت رابطه آن با سایر بخش‌های اقتصاد ملی بحث می‌کند (فضل، ۱۳۹۵).

زراعت یک بخش بسیار مهم سیستم جهانی غذا را تشکیل می‌دهد که تولید محصولات نباتی و حیوانی در مرکز این سیستم قرار دارد. زراعت در اکثر کشورهای کم‌درآمد مولد نیست. رشد طبیعی جمعیت، سطح پایین مولدیت سکتور زراعت، ضرورت بیولوژیکی برای غذا، و عدم فرصت‌های شغلی در بیرون سکتور زراعت، ایجاب می‌کند تا یک فیصدی زیادی نیروی انسانی در زراعت مشغول باشد.

یکی از عوامل مهم تفاوت در میزان رشد اقتصادی و رشد سکتور زراعت کشور، کاربرد وسیع علوم معاصر، تکنالوژی، سازماندهی تولید، بازاریابی و استفاده از نیروی بشری ماهر و کاردان است. انکشاف اقتصادی یک عامل اساسی کاهش فقر و بیکاری است و سکتور زراعت به حیث یک فکتور اساسی انکشاف اقتصادی، نقش اساسی در این پروسه بازی کرده می‌تواند (فضل و اکبرزاد، ۱۳۹۸).

وضعیت زراعت افغانستان (چالش‌ها، ریشه‌یابی و راه‌حل‌ها)

چالش‌ها	ریشه (علت)	راه‌حل‌ها
سطح پایان تولید کننده گان سکتور زراعت	۱. بارز بودن زراعت عنعنوی ۲. عدم دسترسی و ویا دسترسی ضعیف دهاقین به خدمات زراعتی، مارکیت های اخلی و خارجی ۳. پایان بودن سطح دانش و مهارت دهاقین در منجمنت منابع تولید زراعتی ۴. عدم معلومات و آگاهی دهاقین از تکنالوژی‌ها و میتودهای جدید زراعتی و کمبود تکنالوژی زراعت للمی	۱. تغییر شکل زراعت عنعنوی به زراعت عصری ۲. تقویت خدمات وزارت زراعت ۳. تقویه دسترسی دهاقین به منابع آب و تقویه پروگرام‌های آموزشی دهاقین ۴. توسعه فعالیت های در جهت اصلاح نسل و معرفی انواع پرحاصل نباتات و ترویج تکنالوژی عصری زراعت للمی

نقش محدود زنان در فعالیتهای زراعتی	۱. عدم موجودیت پروگرامهای ترویجی برای زنان روستایی ۲. عدم تشویق و حمایه نکردن زنان در فعالیتهای زراعتی ۳. رسم و رواجهای نادرست اجتماعی ۴. کم بها دادن به نقش زنان در فعالیت های سکتور زراعت ۵. عدم دسترسی زنان به قرضه ها ۶. محدود بودن حق تصمیم گیری زنان خانواده در امور زراعت ۷. عدم آگاهی و پایان بودن سطح دانش روستایی	۱. ایجاد واحدهای ترویجی زنان به سطح ولایات و ولسوالی ها ۲. تشویق و حمایه زنان توسط ایجاد شبکه های زنانه و ایجاد مراکز آموزشی زراعتی برای زنان روستایی ۳. تغییرات مثبت و تدریجی در کلتور و عنعنات روستایی توسط آگاهی دادن خانواده ها از طریق کورس ها و آموزش رسانه های گروهی ۴. تشویق فعالیتهای زنان در سکتور زراعت ۵. آماده نمودن قرضه ها و یا تسهیلات کزیدت برای زنان روستایی ۶. توانمند ساختن زنان از طریق تدویر کورس های آموزشی و سهیم ساختن آنها در پروگرام های زراعتی و انکشافی
عدم توجه به سازماندهی جوانان و نوجوانان به مقصد تقویه نقش آنها در فعالیت های سکتور زراعت در روستاها	۱. عدم تشویق و حمایه جوانان روستانی جهت سهم گیری فعال در سکتور زراعت ۲. عدم موجودیت پالسی روشن در مورد سازماندهی جوانانی ۳. عدم موجودیت تعداد کافی مکاتب مسلکی زراعت در ولایات و ولسوالی ها	۱. تدویر کورس های آموزشی تخنیکی و زراعتی و ظرفیت سازی برای جوانان روستانی ۲. تشویق و حمایت از سهم گیری جوانان در فعالیتهای زراعتی و ترویجی ۳. ایجاد کلپ های جوانان و نوجوانان روستای جهت گرفتن آموزش های تخنیکی و تبادل افکار جوانان
سو تغذیه در بین فامیل ها روستایی (اطفال، زن های حامله و شیرده)	۱. عدم پروگرام های تعلیمات تغذی در بین فامیل های روستایی به سطح ملی ۲. عدم دسترسی خانواده های روستایی به منابع درآمد کافی مطمین و دوامدار	۱. سازماندهی تعلیمات تغذی و صحی برای خانواده های روستایی در سطح ملی ۲. ایجاد مصونیت غذایی در خانواده ها توسط بلند بردن سطح تولید ایجاد منبع درآمد و بلند بردن سطح آگاهی در خانواده های روستایی

۳. عدم دسترسی خانواده‌های روستایی به غذای کافی متوازن و دوامدار ۴. شیوع امراض در خانواده‌های روستایی ۵. پایان بودن سطح دانش و معلومات مردم در مورد اهمیت تغذیه ۶. عدم تنوع غذایی در بین خانواده‌های دهقانان	۳. دادن تعلیمات صحی و تغذی برای فامیل‌های روستایی ۴. رعایت نمودن تنوع غذایی و کشت متنوع محصولات زراعتی	
۱. غیر فعال بودن استیشن‌های میکائیزه وزارت زراعت ۲. عدم توان مالی وزارت برای ایجاد و تجهیز استیشن‌های میکائیزه در سطح ولایات ۳. عدم موجودیت انجمن‌های استفاده از ماشین‌آلات زراعتی ۴. عدم دسترسی دهاقین به کریدت	۱. ایجاد و تجهیز استیشن‌های میکائیزه زراعتی وزارت زراعت در سطح ولایات و ولسوالی‌ها ۲. تهیه خدمات کریدتی جهت خریداری ماشین‌آلات زراعتی توسط دهقانان ۳. تشکیل انجمن‌های استفاده از ماشین‌آلات زراعتی	عدم دسترسی دهاقین به ماشین‌آلات زراعتی و خدمات میکائیزه
عدم توانایی مالی دهاقین و عدم موجودیت مقدار کافی تخم‌های اصلاح‌شده	تشویق سکتور خصوصی جهت سرمایه‌گذاری در سکتور عوامل تولید و ایجاد سیستم مالی کارا برای سکتور روستایی	عدم دسترسی کافی دهاقین به تخم‌های اصلاح‌شده بذری، کود کیمیاوی و ادویه‌ها
عدم موجودیت یک پالیسی جامع کنترل امراض و آفات و محدود بودن ظرفیت تخنیکی ریاست حفاظه نباتات برای مجادله با آفات و امراض نباتی	طرح یک پالیسی جامع کنترل امراض آفات و تقویه ظرفیت تخنیکی و خدماتی ریاست حفاظه نباتات	شیوع وسیع امراض و آفات نباتی و کاهش حاصلات ناشی از آنها (۳۰ الی ۴۰ فیصد)
عدم موجودیت تسهیلات ذخیره و سردخانه و عدم آگاهی و مهارت دهاقین در تنظیم فعالیت های قیل و بعد از رفع حاصل	ایجاد ذخیره‌گاه‌های و سردخانه‌ها و توسعه بازار فروش محصولات در داخل و خارج کشور	ضایعات محصولات زراعتی قبل و بعد از رفع حاصل

زراعت عنعنوی و روش‌های تغییر آن به زراعت عصری

زراعت سنتی به مفهوم ساده آن، کِشت و برداشت نباتات مزروعی با ابزار و شیوه‌هایی است که از پدران و اجداد دهاقین برای‌شان به میراث مانده است. و مزارع کوچک معیشتی خانوادگی، واحدهای اساسی تولید در زراعت سنتی است. در زراعت عنعنوی، هدف تولید رفع ضروریات مصرفی خانواده است، نه اعظمی ساختن مفاد. تولید را عمدتاً غله (گندم، جو، برنج، جوار، باجره و غیره)

تشکیل می‌دهد. در تولید محصولات زراعتی، از روش‌ها و وسایل عنعنوی تولید، که از گذشته‌ها به میراث مانده است، استفاده می‌شود. این میتود تولید به خانواده‌های دهاقین اجازه نمی‌دهد که حاصل دهی عوامل تولید (زمین، آب، قوای بشری و مواشی) بلند برود و تولیدات زراعتی، زمینه مصونیت غذایی و کاهش فقر را مساعد سازد. زمین و نیروی کار، عوامل اساسی تولید را در زراعت عنعنوی تشکیل می‌دهد و سرمایه‌گذاری بالای مزرعه به‌نسبت نبود یا کمبود پس‌انداز و عدم دسترسی به منابع مطمئن قرضه و مارکیت، بسیار اندک است (فضل، ۱۳۹۵).

در مرحله نخست تغییر زراعت سنتی به زراعت عصری، در کنار تولید غله‌جات که معیشت خانواده‌های دهقان به آن‌ها وابسته است، ابتدا بعضی محصولات نقدشونده مانند میوه‌جات و سبزیجات کشت می‌شود تا از یک‌طرف زمینه برای تنوع تولید و تنوع درآمد مساعد گردد، و از طرف دیگر، تقاضا برای کالاهای مصرفی که در سکتور غیرزراعتی تولید می‌شود، بیشتر گردد. در این مرحله، ارتباط دهقان با اقتصاد ملی، یعنی مارکیت عوامل تولید و محصولات تولیدشده، نسبت به مرحله زراعت عنعنوی بیشتر است. همچنان در نتیجه استفاده تدریجی از تخم‌های اصلاح‌شده بذری، کود کیمیاوی، ادویه‌های ضد آفات زراعتی و مالداری، وسایل زراعتی، و روش‌های جدید زراعت و مالداری، حاصل‌دهی مزرعه و حاصلات زراعتی افزایش یافته است.

در زراعت عصری، هدف تولید رفع نیازمندی‌های مصرفی خانواده نیست، بلکه استفاده از فرصت‌های موجود به‌خاطر اعظمی ساختن عاید و مفاد است. در زراعت عصری، عوامل تولید از بخش‌های مختلف اقتصاد ملی و حتی از خارج جمع‌آوری گردیده و در یک پروسه تخیلیکی تولید، با استفاده از یک روش مؤثر و کارا، تحت نظر مدیر مزرعه به محصولات تولیدشده تغییر شکل نموده و در وقت مناسب، در شکل مناسب، با کیفیت عالی و مطابق به تقاضای مارکیت در داخل و خارج کشور عرضه می‌گردد (فضل و اکبرزاد، ۱۳۹۸).

مشخصات زراعت عنعنوی و عصری

زراعت عنعنوی	زراعت عصری
هدف رفع نیازمندی‌های مصرفی خانواده ۱. استفاده از عوامل سنتی تولید ۲. پیوند ضعیف با مارکیت عوامل تولید و محصولات تولیدی ۳. مزد ناچیز محصولات قابل فروش ۴. عدم حساسیت در مقابل تغییر عوامل اقتصادی اما حساس در مقابل تغییر اوضاع اقلیمی	هدف اعظمی ساختن مفاد از طریق فروش محصول در مارکیت ۱. استفاده وسیع از تکنالوژی و عوامل جدید تولید ۲. پیوند قوی با مارکیت عوامل تولید و محصولات ۳. حساسیت در مقابل تغییر عوامل اقتصادی ۴. انعطاف‌پذیری در تولید و مارکیتینگ محصولات ۵. وابستگی کامل به اطلاعات جدید کافی و به موقع مارکیت

امنیت غذایی

امنیت غذایی به معنای علمی، روشی حساب شده برای رفع مشکلات غذا و تغذیه و چارچوب تعریف شده‌ای برای برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه است. در اجلاس جهانی غذا در سال ۱۹۹۶، تعریف بسیار جامعی از امنیت غذایی مطرح گردیده است: تمام افراد، در همه زمان‌ها، توانایی دسترسی فیزیکی و اقتصادی به مقدار کافی از مواد غذایی سالم و مغذی که نیازها و ترجیحات غذایی برای زندگی سالم و فعال آن‌ها را تأمین نماید، داشته باشند (FAO, 2003).

کیفیت زندگی به عنوان شاخص مهمی در جهت توسعه اقتصادی، به عواملی همچون سطح تغذیه و امنیت غذایی بستگی دارد. امنیت غذایی به شرایطی اطلاق می‌گردد که مردم در فقر یا ترس از گرسنگی و قحطی زندگی نکنند.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های بشر برای مقابله با تهدیدهای رشد جمعیت و تغییرات اقلیمی، تأمین امنیت غذایی است. توجه بیشتر به پژوهش‌های کشاورزی، امنیت غذایی، سلامت و ایمنی انسان، و جلوگیری از تخریب محیط‌زیست، از جمله سودمندی‌های محصولات زراعتی است (کیان و فرهادیان، ۱۳۹۵).

تولید غذا، مبارزه با فقر و سوءتغذیه زنان و اطفال

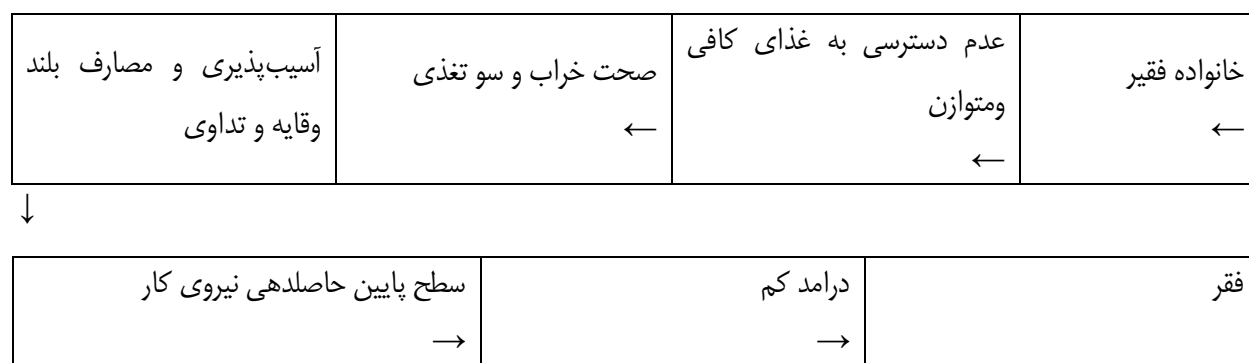
افغانستان یکی از کشورهای فقیر جهان است و بیش از ۴۰ درصد مردم آن زیر خط فقر قرار دارد. عدم دسترسی به غذای کافی (انرژی) مورد ضرورت، سوءتغذیه، نبود آرامش فکری، بیکاری و عدم دسترسی به خدمات صحتی، تعلیم و تربیه، و آب صحتی آشنامیدنی از مشخصات عمده زندگی مردم فقیر کشور است.

در بین مردم فقیر در کشورهای روبه‌انکشاف، اکثریت مطلق (۷۰ درصد) آن‌ها را زنان تشکیل می‌دهند. در بین مردم فقیر کشورهای روبه‌انکشاف، زنان و اطفال محروم‌ترین قشر جامعه را تشکیل می‌دهند. این‌ها تغذیه درست نمی‌شوند و به خدمات صحتی، آب پاک آشنامیدنی، حفظ‌الصحه و غیره کمتر دسترسی دارند. در بین جوامع فقیر، سرپرستی تعداد زیاد خانواده‌ها به دوش زن‌ها است. زن‌ها دسترسی کمتری به خدمات تعلیم و تربیه، استخدام رسمی و مصونیت اجتماعی دارند. این عوامل به صورت جمعی، دسترسی زنان را به خدمات مالی نیز محدود می‌سازد.

در بسیاری مناطق جهان، تبعیض در مقابل زنان در رابطه با تغذیه، تداوی، تعلیم و تربیه و حقوق وراثت موجود است. به این معنی که خانواده‌های غریب، تعلیم و تربیه پسران را نسبت به دختران ترجیح می‌دهند، و نیز در صورتی که اطفال خانه مریض شوند، پسران را در بیشتر موارد نسبت به دختران به کلینیک‌های صحتی یا شفاخانه می‌برند. در رابطه با تغذیه اطفال دختر و پسر نیز اکثراً تبعیض وجود دارد. خانواده‌های غریب برای اطفال ذکور، شانس بیشتری برای تغذیه فراهم می‌کنند نسبت به اطفال اناث. این تبعیض، توقع حیات دختران را نسبت به پسران کمتر می‌سازد. این تبعیضات، عمدتاً به خاطر نقش برجسته پسران در تأمین معیشت خانواده‌های غریب نسبت به دختران است. (FAO, 2003)

سوء تغذیه یکی از نشانه‌های برجسته فقر است و از گرسنگی فرق دارد. در حالت گرسنگی مزمن، فرد یا خانواده غذای کافی که بتواند نیاز فرد را به کالوری پُر کند، به دست آورده نمی‌تواند؛ اما در وضعیت سوء تغذیه، فرد دسترسی به غذای کافی و متوازن که بتواند نیازهای گوناگون حیاتی را پُر کند، ندارد. یک جیره متوازن غذایی دارای منابع کافی انرژی، پروتئین، شحم و ویتامین‌ها است که از طریق نان خشک، برنج، کچالو، مکرونی و نیز گوشت، تخم، لبنیات، میوه و سبزی تأمین می‌شود (کشاورز، ۱۳۸۰).

برای رهایی از این حالت، باید یکی از حلقه‌های زنجیره فقر با مداخله از بیرون سیستم شکسته شود تا این طبقه از فقر دائمی رهایی یابد. به عنوان مثال، زنجیره فقر یک خانواده فقیر را به شکل ذیل نمایش می‌دهیم:



زراعت در حقیقت یک صنعت در جمله سایر صنایع تولیدی است، اما صنعت زراعت از نظر شکل و ماهیت نسبت به سایر صنایع متفاوت‌تر است. دانستن ویژگی‌های سکتور زراعت در کشورهای رو به انکشاف، به طرح ستراتیژی و پلان واقعی برای انکشاف این سکتور کمک می‌نماید (فضل، ۱۳۹۵).

پنج ویژگی زراعت شامل:

- ✓ این سکتور در مراحل اول انکشاف اقتصادی، فیصدی بیشتر نیروی کار (۶۰ تا ۷۰ درصد) را در خود مشغول می‌سازد.
- ✓ این سکتور محصولاتی را تولید می‌نماید که جانشین نزدیک ندارند؛ یعنی تقاضا برای این محصولات دائمی است و تولید آن‌ها باید با گذشت زمان افزایش یابد.
- ✓ زراعت متأثر از عوامل طبیعی است. تولیدات زراعتی به پیمانه زیادی تحت تأثیر عواملی قرار دارند که از کنترل انسان‌ها خارج است. هیچ بخش دیگری از اقتصاد ملی مانند زراعت، در مقابل تغییرات اقلیم حساس نیست.
- ✓ بارز بودن زراعت عنعنوی در کشورهای رو به انکشاف.
- ✓ سکتور زراعت، اهمیت تعیین‌کننده‌ای برای زمین به عنوان عامل تولید قائل است. مارکیته‌نگ محصولات زراعتی نیز بخشی اساسی از این ویژگی به شمار می‌رود.

دو راه و روش را برای مبارزه با فقر

الف: افزایش حجم و کیفیت تولیدات زراعتی، انکشاف صنایع و تجارت، توسعه کمی و کیفی تولیدات زراعتی از طریق تقویت دسترسی خانواده‌های دهقانی و روستایی به منابع تولید و تکنالوژی و استفاده مؤثر آن‌ها با اصول فنی مدیریت مزرعه و منابع طبیعی امکان‌پذیر است.

ب: صرفه‌جویی در مصارف خانواده‌ها به‌خاطر تقویت پس‌اندازهای فامیلی که می‌شود از این‌ها در تمویل فعالیت‌های اقتصادی و یا سرمایه‌گذاری مزرعه با هدف افزایش حاصلات و ارتقای مولدیت مزرعه و تأمین ضرورت‌های مصرفی خانواده استفاده کرد (فضل و اکبرزاد، ۱۳۹۸).

اقتصاد بازاریابی محصولات زراعتی

بازاریابی عبارت از انجام یک سلسله فعالیت‌های هماهنگ و مرتبط است که در نتیجه آن عوامل تولید از نقاط تولید به طرف مزرعه و محصولات زراعتی از مزارع به طرف مصرف‌کننده به جریان افتاده تا به مصرف‌کننده‌های نهایی برسد. پس مارکیتینگ محصولات زراعتی با مسایل انتقال و ارزش‌افزایی محصولات زراعتی و مالداري بین تولیدکننده‌های این محصولات و مصرف‌کننده‌های آن‌ها که در سرتاسر یک کشور پراکنده هستند، یک شاخه فرعی اقتصاد زراعتی است که به مطالعه و تحلیل سلوک و رفتار مولدین، مصرف‌کننده‌ها و واسطه‌های بازار محصولات زراعتی و ارتباطات ذات‌البینی آن‌ها می‌پردازد تا آن‌ها را در استفاده اعظمی از امکانات تولیدی و فرصت‌های بازار به‌خاطر اقناع حداکثر نیازمندی‌های مصرف‌کننده‌ها با کمترین تمام‌شد کمک نماید (اکبری، ۱۳۸۹).

هدف اصلی تمام فعالیت‌های اقتصادی جوامع بشری، رفع حداکثر نیازمندی‌های مادی و معنوی و تأمین رفاه و آسایش آن‌ها است. بنا، سیستم بازاریابی که وظیفه ارزش‌افزایی و انتقال اشیاء و خدمات را از مولدین به مصرف‌کننده‌ها و اقناع تقاضای آن‌ها به دوش دارد، در برآورده شدن چنین مأموریتی نقش ارزنده‌ای دارد.

اقتصاد بازاریابی تمام فعالیت‌های اقتصادی را در تغییر می‌بیند و خود را مطابق این تغییرات عیار می‌سازد تا به تقاضای مارکیت پاسخ به موقع داده بتواند. در اقتصاد مارکیتینگ، حلقه‌های اساسی جامعه که به فعالیت‌های مرتبط و هماهنگ می‌پردازند، عبارت‌اند از مولدین، مصرف‌کننده‌ها و واسطه‌های بازار که فعالیت‌های مرتبط و هماهنگ آن‌ها منتج به رشد پایدار اقتصادی و ارتقای سطح زندگی و رفاه جامعه می‌گردد (اکبرزاد، ۱۳۹۸).

نقش بازاریابی در انکشاف اقتصادی و رشد زراعت:

۱. علاوه نمودن ارزش و فراهم ساختن زمینه اختصاص در تولید و تقسیم کار
۲. تخصیص موثر منابع برای تولید و افزایش عاید مزرعه
۳. توسعه مارکیت و رشد صنایع زراعتی
۴. آگاه ساختن مولدین از نرخ بازار و انتشار و کاربرد وسیع تکنالوژی
۵. رشد شهر نشینی و افزایش استخدام
۶. انکشاف سیستم ترانسپورت و ارتقای سطح زندگی و تامین رفاه مردم
۷. افزایش حاصل‌دهی و دسترسی به منابع متنوع غذایی

نتیجه‌گیری

انکشاف اقتصادی به‌ویژه انکشاف زراعت وابسته به استفاده وسیع از دست‌آوردهای علوم و تکنالوژی سازماندهی موثر تولید و مصرف و تغییرات ساختاری در اقتصاد ملی کشورهای رو به انکشاف می‌باشد. تحقیق و ترویج اساس پیشرفت‌های علمی تخنیکی و اقتصادی را در جهان تشکیل می‌دهد زیرا تحقیق و ترویج باعث تولید، توسعه، اصلاح و انتقال علوم و تکنالوژی گردیده که در بخش‌های مختلف اقتصادی از آن کار گرفته می‌شود.

یکی از عوامل مهم تفاوت در میزان رشد اقتصادی و رشد سکتور زراعت کشورهای پیشرفته و رو به انکشاف کاربرد وسیع علوم معاصر تکنالوژی و سازماندهی تولید و بازاریابی و استفاده از نیروی بشری ماهر و کاردان در کشورهای پیشرفته به مقایسه کشورهای رو به انکشاف است. کشورهای رو به توسعه توانمندی ضعیف در تولید و کاربرد علوم و تکنالوژی سازماندهی و مدیریت تولید و مصرف را به مقایسه کشورهای پیشرفته دارند.

انکشاف اقتصادی یک عامل اساسی کاهش فقر و بی‌کاری است و سکتور زراعت به‌حیث یک فکتور اساسی انکشاف اقتصادی نقش اساسی در این پروسه بازی کرده می‌تواند. برای رشد سریع اقتصادی لازم است تا مولدیت سکتور زراعت نیز به نرخ بلند تر و به‌طور پایدار ارتقا یابد که تحقق این هدف وابسته به استفاده وسیع از علوم زراعتی تکنالوژی و معلومات جدید است که از طریق سیستم تحقیق و ترویج به استفاده‌کنندگان، دهقانان، مالداران، پروسس‌کنندگان، تاجران و کارآفرینان می‌رسد.

استفاده از نتایج تحقیقات علمی در سکتور زراعت بدون شک زمینه افزایش حاصل‌دهی و پیشرفت سریع این سکتور را مساعد ساخته، حجم کیفیت و ارزش مجموعی محصولات را ارتقا بخشیده مصئونیت غذائی را تامین و میزان فقر روستائی را کاهش می‌دهد.

منابع

۱. اکبرزاد، فضل. (۱۳۹۸) اقتصاد زراعتی، کابل. پوهنتون کابل، انتشار قرطبه
 ۲. اکبری، شریف. (۱۳۸۹) اقتصاد کشاورزی. ایران: دانشگاه علامه طباطبای
 ۳. اکبرزاد، فضل. (۱۳۹۵) اقتصاد انکشاف زراعتی، کابل: پوهنتون کابل
 ۴. کشاورز، (۱۳۸۰) تغذیه و رژیم غذایی. تهران: دانشگاه تهران
 ۵. فرهادیان، کیان. (۱۳۹۵) بررسی اهمیت غذایی خانوارهای شهری. علوم و صنایع غذایی ایران
6. FAO.2003-Afghanitan National Livestock Census'p